



برای آرامش بازار ارز، باید نرخ سود را بالا برد. نظروا حدی در این باره در میان دولتی‌ها مشاهده نمی‌شد! دلیل اختلاف دیدگاه میان تیم اقتصادی دولت چه بود؟

من در چند سالی که در وزارت اقتصاد بودم با برخی از همکارانم در وزارت کار در دولت دهم که طرفدار کاهش یکباره نرخ سود بودند، موافق نبودم. وزارت‌کاری‌ها می‌گفتند «یکباره نرخ سود را چهار درصد پایین بیاورید.»

اعتقاد من همیشه این بود که باید در متغیرهای قیمتی، تعدیل‌های لازم را انجام دهیم ولی ماجرای تعیین نرخ سود بسیار پیچیده‌تر از این است که آن را تابع تورم کنیم. شما در سال ۱۳۹۲ دیدید وقتی تغییراتی در نرخ سود ایجاد شد، چه اثراتی روی بازار بورس داشت و کار به جایی رسید که وزیر اقتصاد دولت یازدهم در مقابل افزایش نرخ سود جبهه گرفت. در دولت یازدهم نیز زرمزه و رویکرد کاهش نرخ سود وجود دارد. در قانون برنامه پنجم هم آمده است: نرخ سود باید بر اساس متوسط نرخ تورم سال قبلی و نرخ تورم مورد انتظار سال آتی باشد. نرخ تورم سال ۱۳۹۲، ۳۵ درصد و نرخ تورم سال ۱۳۹۳، ۲۰ درصد پیش‌بینی شده بود. میانگین این دو عدد ۲۷ درصد می‌شود. پس چرا عده‌ای به دنبال این بودند که نرخ سود در سال ۱۳۹۳ را کاهش دهند؟ ریال بیشتر شده است. ضمن اینکه هزینه‌های مالی مختلف نیز ایجاد شده است. حالا اگر شما به بهانه تورم نرخ سود را هم بالا ببرید، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به هر حال سیاستگذار اقتصادی باید در تعیین قیمت‌ها رویکرد داشته باشد، البته نباید این را براساس یک تابع ساده و یا براساس نگرش بخشی دنبال کند. بالاخره بانک‌های مرکزی دنیا اغلب متأثر از عقاید پول‌گرایان در اقتصاد هستند. به نظر من پول‌گرایان و نئوکلاسیک‌های لیبرال در مدیریت اقتصاد فروض خیلی سہلی را تعبیه می‌کنند. البته آنها در کتاب‌هایشان در چهارچوب عقاید خودشان مختار هستند هر چه می‌خواهند بنویسند، اما در مسائل اجرایی و اداره کشورها اینقدر نفوذ کلام ندارند.

دولت را روی کاغذ بخیرم و به دولت ریال بدهیم. سؤال این است که «مگر مقامات قبلی بانک مرکزی در چنین تنگناها و شرایطی قرار نگرفته بودند.» این را از این باب می‌گویم که عده‌ای تحلیل کردند که علت رشد قیمت یا نرخ ارز در دوره قبل رشد نقدینگی بود نه تحریم، خوب حال که رشد نقدینگی با تغییر دولت هر سال بیشتر هم شده است.

● وقتی بهمنی چنین حرفی می‌زند، آیا مجموعه دولت به این نتیجه رسیده بود که او برای آرام کردن بازار چنین حرفی بزند یا او همینطوری به این نتیجه رسیده بود که یک چیزی بگوید؟ این گونه نبود که رئیس کل بانک مرکزی برای حرف زدن در حیطه وظایف و اختیاراتش از دولت اجازه بگیرد، بهتر است صحت و سقم این مطلب را از خود او جویا شوید ولی من می‌دانم در دولت کسی به او نگفته بود که برود و از این حرف‌ها بزند.

● دلیل اینکه درباره عملکرد بانک مرکزی پرسیدم، اظهار نظرهای غیرکارشناسی و عجولانه رئیس ساختمان میرداماد به ظن منتقدان دولت‌های نیم‌وده هم بود. یاد هست بهمنی یک بار گفت: «قوی می‌دهم تا فردا ظاهر قیمت دلار کاهش پیدا کند.» شخص محمود بهمنی و رفتار آن روزهای بانک مرکزی به نظر بسیاری از اقتصاددانان کشور معقول و منطقی نبود.

چنین چیزی را به خاطر ندارم و نمی‌دانم کدام مقطع بوده است.



بش

ورم بازار ارز

بازار ارز ایران در سال ۱۳۸۹ رو به ورم کردن گذاشت. این ورم مدت‌ها هم ادامه داشت، ولی نباید ریشه آن را در سیاست‌های داخلی مثل بیماری داخلی جست‌وجو کنیم. از لحاظ سیر تاریخی بعد از اینکه سیاست یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ در اقتصاد ایران اجرا شد تا سال ۱۳۸۹ یک ثبات نسبی در بازار ارز ما وجود داشت. یعنی هیچ کس به بازار ارز به عنوان بازار سفته‌بازی نگاه نمی‌کرد. اما همان طور که گفتم در سال ۱۳۸۹، امارات یک انسداد و تعلل در نقل و انتقال ارزهای ما ایجاد کرد و به بیانی یک ضربه خارجی به سیستم ارزی ما زده شد. با توجه به نقشی که امارات به‌عنوان یک واسط تجاری بزرگ با ایران داشت ما دچار اولین شوک ارزی شدیم که این مسأله به میزان قابل توجهی در سال ۱۳۸۹ حل شد. خاطرم هست براساس آمار منتشره از وزارت اقتصاد، در بهار ۱۳۸۹، نرخ ارز در بازار آزاد ۱۰۲۵ تومان در بازار بانکی ۱۰۲۳ تومان بود. یعنی تفاوتی در حد ۲ تومان! در تابستان، دلار بانکی ما ۱۰۴۵ تومان و دلار در بازار آزاد ۱۰۵۰ تومان بود. این عدد در پاییز ۱۳۸۹ فاصله‌اش ملموس‌تر می‌شود یعنی این فاصله در بازار بانکی با بازار آزاد به حدود ۳۴ تومان می‌رسد. در زمستان ۱۳۸۹ این فاصله بیشتر شده و به حدود ۵۷ تومان می‌رسد، یعنی قیمت ارز در بازار آزاد به ۱۰۹۰ تومان افزایش می‌یابد.

شورای پول و اعتبار است.

● یاد هست یک بار آقای احمدی‌نژاد در وئزواتلا بود که شورای پول و اعتبار در غیاب وی تصمیم گرفت نرخ سود را در همان مقطع افزایش دهد. ریاست جلسه را محمود بهمنی برعهده داشت.

دکتر احمدی‌نژاد در آن مقطع چه بسا به‌رغم میل باطنی اش با مصوبه شورای پول و اعتبار مخالفت نکرد. چون طبق روال باید رئیس جمهور مصوبه نرخ سود بانکی را که شورای پول و اعتبار صادر می‌کند، تأیید کند.

● اما تأیید نکرد!

گویا آقای بهمنی در آن زمان، موافقت ضمنی رئیس جمهور برای آزاد کردن نرخ سود سپرده‌ها را گرفته بود. تأکید می‌کنم نرخ سود سپرده‌ها و باید بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات تمایز قائل شد. اکثریت در شورای پول و اعتبار معتقد بودند، اگر نرخ سود سپرده‌ها اصلاح شود، می‌توان نقدینگی و به دنبال آن بازار ارز را کنترل کرد. همچنین می‌گفتند: چنانچه برای نرخ سود تسهیلات و ارائه خدمات سقف تعیین کنیم، خود به خود برای سپرده‌ها هم سقف تعیین کرده‌ایم. چون نرخ سود سپرده‌ها نمی‌تواند از نرخ سود تسهیلات فراتر برود، اما از فردای همان روز همه دیدند که بین بانک‌ها برای افزایش نرخ سود سپرده‌ها چه رقابتی صورت گرفت که آن سرش ناپیدا بود. چون بانک مرکزی به دلایل مختلف از جمله همین عدم شفافیت‌ها، ابزار لازم برای نظارت بر سیستم بانکی کشور را ندارد. حالا اگر مقررات لازم را هم کنار بگذارد، کار سخت‌تر می‌شود. طبق قانون پولی بانکی، مسئول نظارت بر بانک‌ها، بانک مرکزی است لذا فرضی که می‌کردند چون نرخ سود تسهیلات را در مصوبات قبلی شورا تعیین کرده‌اند پس می‌توانند نرخ سود سپرده‌ها را آزاد بگذارند، و غیرمستقیم نرخ سود سپرده‌ها را کنترل کنند. اشتباه بود.

بانک‌ها سود سپرده‌ها را افزایش دادند، خب مشخص است که لاجرم سود تسهیلات را هم افزایش می‌دهند. این مشکل هنوز هم وجود دارد. می‌بینید که مقامات اقتصادی دولت یازدهم حتی پس از کاهش تورم مورد ادعایشان نتوانسته‌اند نرخ سود بانکی را در عمل کنترل کنند. به هر حال همیشه من به دنبال شفافیت بودم و معتقد بودم که ضمانت اجرای مصوبات هم نباید فرضی، بلکه باید واقعی باشد. وقتی شورا، مصوبه‌ای داد که نرخ سود سپرده‌ها بانک‌ها تعیین کنند، معلوم است که دیگر همان نظارت قبلی را هم نمی‌توانست اعمال کند.

● بالاخره احمدی‌نژاد افزایش نرخ سود تأیید کرد؟

آقای احمدی‌نژاد با مصوبه آزادسازی نرخ سود سپرده مخالفت نکرد. باز تأکید می‌کنم که این مصوبه، اصلاً مصوبه افزایش نرخ سود تسهیلات نبود بلکه مصوبه آزاد کردن نرخ سود سپرده‌ها بود. فرض‌شان هم این بود که چون نرخ سود تسهیلات سقف دارد، نرخ سود سپرده‌ها از نرخ سود تسهیلات بالاتر نمی‌رود. لذا اگر شما بگویید آقای احمدی‌نژاد مصوبه‌ای مبنی بر افزایش نرخ سود تسهیلات را تأیید کرد من می‌گویم: «نه» اما اگر بگویید این مصوبه به نوعی آزادسازی نرخ سود سپرده‌ها بود نه تسهیلات، من می‌گویم: «بله» ایشان با این مسأله مخالفت نکرد». تأکید می‌کنم ادعا این بود که چون نرخ سود تسهیلات سقف دارد در عمل رقابت بانک‌ها در تعیین سود سپرده هم کنترل می‌شود. احمدی‌نژاد در یک سخنرانی اعلام کرد: عده‌ای به من گفتند: «اگر نرخ سود را بالا ببرید بحران ارزی اتفاق نمی‌افتد.» ما این کار را کردیم اما باز این بحران اتفاق افتاد.

بله درست است. آنچه در شورای پول و اعتبار تصویب شد و آقای احمدی‌نژاد نیز بدان مخالفت نکرد، آزادسازی



بش

تأثیر بانک‌های مرکزی از عقاید پول‌گرایان

نرخ تورم سال ۱۳۹۲، ۳۵ درصد و نرخ تورم سال ۱۳۹۳، ۲۰ درصد پیش‌بینی شده بود. میانگین این دو عدد ۲۷ درصد می‌شود. پس چرا عده‌ای به دنبال این بودند که نرخ سود در سال ۱۳۹۳ را کاهش دهند؟ به هر حال با وجود تحریم‌ها، نیاز به ریال بیشتر شده است. ضمن اینکه هزینه‌های مالی مختلف نیز ایجاد شده است. حالا اگر شما به بهانه تورم نرخ سود را هم بالا ببرید، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به هر حال سیاستگذار اقتصادی باید در تعیین قیمت‌ها رویکرد داشته باشد، البته نباید این را براساس یک تابع ساده و یا بر اساس نگرش بخشی دنبال کند. بالاخره بانک‌های مرکزی دنیا اغلب متأثر از عقاید پول‌گرایان در اقتصاد هستند. به نظر من پول‌گرایان و نئوکلاسیک‌های لیبرال در مدیریت اقتصاد فروض خیلی سہلی را تعبیه می‌کنند. البته آنها در کتاب‌هایشان در چهارچوب عقاید خودشان مختار هستند هر چه می‌خواهند بنویسند، اما در مسائل اجرایی و اداره کشورها اینقدر نفوذ کلام ندارند.

هم ادامه داشت، ولی نباید ریشه آن را در سیاست‌های داخلی مثل بیماری داخلی جست‌وجو کنیم. از لحاظ سیر تاریخی بعد از اینکه، سیاست یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، در اقتصاد ایران اجرا شد تا سال ۱۳۸۹ یک ثبات نسبی در بازار ارز ما وجود داشت. یعنی هیچ کس به بازار ارز به‌عنوان بازار سفته‌بازی نگاه نمی‌کرد. اما همان طور که گفتم در سال ۱۳۸۹، امارات یک انسداد و تعلی در نقل و انتقال ارزهای ما ایجاد کرد و به بیانی یک ضربه خارجی به سیستم ارزی ما زده شد. با توجه به نقشی که امارات به‌عنوان یک واسط تجاری بزرگ با ایران داشت ما دچار اولین شوک ارزی شدیم که این مسأله به میزان قابل توجهی در سال ۱۳۸۹ حل شد. خاطرم هست براساس آمار منتشره از وزارت اقتصاد، در بهار ۱۳۸۹، نرخ ارز در بازار آزاد ۱۰۲۵ تومان و در بازار بانکی ۱۰۲۳ تومان بود. یعنی تفاوتی در حد ۲ تومان! در تابستان، دلار بانکی ما ۱۰۴۵ تومان و دلار در بازار آزاد ۱۰۵۰ تومان بود.

این عدد در پاییز ۱۳۸۹ فاصله‌اش ملموس‌تر می‌شود یعنی این فاصله در بازار بانکی با بازار آزاد به حدود ۳۴ تومان می‌رسد. در زمستان ۱۳۸۹ این فاصله بیشتر شده و به حدود ۵۷ تومان می‌رسد، یعنی قیمت ارز در بازار آزاد به ۱۰۹۰ تومان افزایش می‌یابد. جالب اینکه بانک مرکزی در این مدت تلاش داشت تا به بازار علامت کاهش قیمت بدهد، یعنی نگذار قیمت ارز بالا برود. اتفاقاً در این سال بانک مرکزی عرضه ارز بانکی را افزایش داد، به طوری که حدود ۶۴ میلیارد عرضه ارز در آن برهه اتفاق افتاد. در حالی که در سال‌های قبل آن، این رقم کمتر از ۶۰ میلیارد دلار بوده است. حالا ما درک می‌کردیم با توجه به ماه‌تفاوتی که بین نرخ ارز در بازار آزاد با بازار بانکی وجود دارد، دیگر نمی‌توانیم نامش را تکنرخی بگذاریم. چون طبق ضوابط صندوق بین‌المللی پول تا دو درصد تفاوت بین بازار آزاد با بازار بانکی در نرخ اسمی به‌عنوان تک‌نرخی پذیرفته می‌شود. ضمن اینکه مشخص بود برای جابه‌جایی ارز در سیستم بانکی و رسمی مشکلاتی ایجاد شده، لذا برخی از این جابه‌جایی‌ها در بازار آزاد مثل صرافی‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین آنها یک هزینه بیشتری دریافت می‌کردند.

البته براساس آمار منتشرشده، می‌توان گفت: حتی در ماه‌های اولیه سال ۱۳۹۰ هنوز نوسانات نرخ ارز شدید نبود. به عبارتی در بازار آزاد، نرخ ارز در فروردین ماه سال ۱۳۹۰، ۱۱۱۰ تومان شروع شد و در اردیبهست به ۱۱۵۰ تومان رسید. حتی تا مردامدها، این نرخ در بازار تهران بین ۱۱۰۰ تا ۱۱۵۰ تومان بود. این ثبات و عدم نوسان تقریباً تا اواخر تابستان ۱۳۹۰ در بازار ارز وجود دارد، اما نرخ ارز در مهرماه ۱۲۵۰ تومان، در آذرماه، ۱۳۷۰ تومان و در واقع می‌توان گفت: «دومین شوک ارزی، بعد از مهر ۱۳۹۰ حادث می‌شود. یعنی قیمت ارز در بازار آزاد در تابستان ۹۰ هنوز زیر ۱۲۰۰ تومان است و در پاییز ۱۳۹۰ به ۱۳۰۰ تومان می‌رسد. اما بازار در زمستان ۱۳۹۰ شوک ارزی را کامل‌تر می‌کند و نرخ ارز از ۱۵۳۰ تومان در دی‌ماه به حدود ۱۸۰۰ تومان در پایان سال می‌رسد. بررسی‌هایی شبیه روزشمار در مورد بازار ارز صورت گرفته است که نشان می‌دهد چگونه وضع تحریم‌های جدید بر بازار ارز تأثیر گذاشت.

نرخ سود سپرده‌ها بود. یعنی منطقی پیشنهاددهندگان مصوبه این بود که به بانک‌ها برای جذب سپرده اجازه رقابت بدهیم. مردم نیز به جای اینکه پول‌شان را به سمت بازار ارز ببرند در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند.

● منظور من افزایش نرخ سود سپرده‌ها بوده تسهیلات!

مصوبه مذکور افزایش نرخ سود سپرده‌ها نبود، بلکه آزادسازی نرخ سود سپرده‌ها بود. منتها مفروض شورای پول و اعتبار این بود که اگر نرخ سود سپرده‌ها را بالا ببریم منابع از بازارهای موازی به سمت سیستم بانکی می‌آید. وقتی از آنها سؤال می‌شد نرخ سود تسهیلات را چه می‌کنید، می‌گفتند: ما که نرخ سود تسهیلات را تغییر نداده‌ایم این نرخ همان عدد قبلی است. این امر در عمل محقق نشد، به نظر آقای احمدی‌نژاد به این امر اشاره داشتند. به هر حال میزان نرخ سود تسهیلات در اقتصاد ایران همیشه محل بحث بوده است. با تغییر دولت سال ۱۳۹۲ نرخ سود تسهیلات افزایش پیدا کرد که باعث افزایش نرخ عقود میادله‌ای شد و متناسب با آن نرخ عقود مشارکتی هم بالا رفت. به نظر اینکه در سال ۹۲ رکود در بخش غیرنفتی تعمیق شده با این مسأله بی‌ارتباط نیست. رشد بخش غیرنفتی در سال ۹۲، ۱۰۰۹ درصد بوده حالی که در سال ۹۱، ۰۰۹ درصد بوده است. یعنی منفی بودن رشد اقتصاد ایران در سال ۹۱، ناشی از کاهش شدید تولید در بخش نفت به‌دلیل تحریم بود. ضمن اینکه در سال ۹۱ با وجود افزایش نرخ مشارکت، یعنی افزایش تقاضای بیشتر برای نیروی کار، نرخ بیکاری کاهش پیدا کرده بود اما در سال ۹۲ به‌رغم کاهش نرخ مشارکت، نرخ بیکاری افزایش یافته است. چون بخش غیرنفتی که اشتغال بیشتری را ایجاد می‌کند یا به اصطلاح کار برتر است، منقبض‌تر شده است. این مجادله‌ها در سال ۱۳۹۴ نیز شدت گرفت. به هر حال هم‌اکنون صدای غالب در درون و بیرون دولت برای خروج از رکودی که از فصل چهارم سال ۱۳۹۳ شدت گرفته و کل سال ۱۳۹۴ را فرا گرفته و زمینگیر کرده است، کاهش نرخ سود است.

● در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های بحران ارزی ایران با سایر کشورها، عده‌ای معتقد بودند: نوسانات ارزی در ایران همانند التهابات ارزی دهه ۱۹۷۰ در مکزیک یا التهابات ارزی دهه ۱۹۹۰ در آسیای شرقی است. به نظرتان شباهت‌هایی در این بین وجود دارد؟

خیلی تفاوت دارند، سؤال من این است که آیا مالزی، کره جنوبی و کشورهای مشابه تحریم مالی و اقتصادی شدند؟ شما فرض کنید پای دو نفر دچار ورم شده است، آیا صرف داشتن ورم در پا شباهت در بیماری محسوب می‌شود؟! ممکن است یکی از این افراد دچار یک نوع بیماری داخلی عروقی و چیزی شبیه انسداد شریان‌ها باشد اما ممکن است دیگری در حین تمرین یا مسابقه ورزشی دچار ضرب‌دیدگی شده باشد. ظاهر این ورم برای افراد غیرمتخصص شباهت محسوب می‌شود، اما از نگاه فرد متخصص این دو با هم متفاوت هستند. بازار ارز ایران در سال ۱۳۸۹ رو به ورم کردن گذاشت. این ورم مدت‌ها